

آذربایجان (ماد آتروپاتن) در دوران سلوکی و اشکانی

دکتر حسن درخشی، مولود محمدی پور و دکتر کریم گلشنی

استادیار باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

دانشجوی دکتری باستان شناسی دانشگاه مازندران

استادیار تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر

derakhshi.hassan@gmail.com

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۱۲/۱

چکیده

آذربایجان (ماد آتروپاتن) به دلیل موقعیت استراتژیک همواره یکی از ایالات مهم در طول دوران تاریخی بویژه سلوکی و اشکانی بود. بر اساس منابع تاریخی در این دوران یکی از خاندان‌های مهم ایران باستان (خاندان آتروپاتس) به صورت موروثی در این خطه چندین سده فرمانروایی کردند، همچنین بعد از پایان فرمانروایی خاندان مذکور، شاهد فرمانروایی سلاله ای از خاندان اشکانی هستیم که این خطه را ولیعهد نشین خود نموده و در نهایت به پادشاهی ایران می‌رسیدند، شیوه‌ای که در دوران بعد از اسلام بویژه دوران قاجار این منطقه از آن برخوردار بود. این مقاله به بررسی و تحلیل وضعیت آذربایجان در دوران ایران باستان بر اساس منابع تاریخی، تحقیقات پژوهشگران و معدود شواهد باستان شناختی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: آذربایجان (ماد آتروپاتن)، سلوکیان، اشکانیان، خاندان آتروپاتس

نویسندگان یونانی و رومی آنرا ماد آتروپاتن یا ماد کوچک نامیدند (Schipmann, 1991, P:22).

البته درباره ریشه این واژه میان محققان اختلاف است، عده‌ای گفته‌اند که واژه آذربادگان مشتق از نام آتروپات و گروهی آذربایجان را معرب آذربایگان یا آتشکده دانسته‌اند و می‌گویند علت این نامگذاری وجود آذرگنسب یکی از بزرگترین آتشکده‌های ایران عهد ساسانی در آن بوده است (طاهری، ۱۳۴۷: ص ۷۴). جهانگیر اوشیدری می‌گوید: «آذربایجان موطن اصلی اشور زرتشت پیامبر ایران است که در پهلوی آتورپاتکان می‌گفته‌اند و از آتورپات به معنی نگهبان آتش می‌آید» (اوشیدری، ۱۳۷۱، ص ۶۸).

در کل نام واقعی این سرزمین بعد اسکندر آتورپاتکان می‌باشد که آن از نام آتورپات سردار ایرانی که به معنی نگهبان آتش یا کسی که آتش نگهبان اوست مشتق شده و در دورانهای بعدی به دلیل وجود یکی از آتشکده‌های بزرگ این سرزمین آذربایگان خوانده شد.

آذربایجان در ادوار باستان (سلوکیان و اشکانیان)

آذربایجان در سراسر قرون یک قطب برای جذب مردمان مهاجر و لشکریان جنگجو و هم مرکز معاوضات تجاری و فرهنگی بوده است و آن به عنوان پلی از بین‌النهرین به سرزمینهای دارای فلزات غنی قفقاز و از فلات آناتولی به ایران مرکزی و با پیوندهای دیگر با آن سوی قفقاز و هند مربوط می‌شود (Kleiss, 1991, p:216).

از دوره سلوکیان هیچ آثار مهمی در آذربایجان باقی نمانده است اما از دوره اشکانیان بقایای

آذربایجان در سراسر قرون یک قطب برای جذب مردمان مهاجر و لشکریان جنگجو و مرکزی برای معاوضات تجاری و فرهنگی بوده است عبارت دیگر این خطه به عنوان پلی از بین‌النهرین به قفقاز و از فلات آناتولی به ایران مرکزی و با پیوندهای دیگر با آن سوی قفقاز و هند مربوط می‌شود. این سرزمین در دوره تاریخی به دلیل همین موقعیت استراتژیکی و ظهور خاندان آتروپاتس در اواخر قرن چهارم ق.م که به مدت سه قرن و نیم در آن به حکمرانی پرداختند مورد توجه است چرا که نگذاشتند قسمت شمال غرب ایران به دست سربازان مقدونی بیافتد. در دوره اشکانی این دولت متحد و از ملوک الطوایفی‌های دولت اشکانی به شمار می‌آمد که در نهایت با قدرت گرفتن اشکانیان در اوایل قرن اول م دوران حکومت آتورپاتکانیان خاتمه می‌یابد و این خطه ولیعهدنشین اشکانیان می‌گردد و احتمالاً این روند تا اواخر حکومت اشکانی در آذربایجان ادامه داشته است.

وجه تسمیه آذربایجان در متون تاریخی

آذربایجان ایالت بزرگی است در ایران که در فارسی میانه آتورپاتکان Aturpatakan، در آثار کهن فارسی آذربادگان یا آذربایگان، در فارسی کنونی آذربایجان، در یونانی آتروپاتنه Atropatene و در سریانی آذربایغان Azharbaighan نام داشته است (مینورسکی، ۱۳۶۷ ص ۴۸). در دوره هخامنشیان آذربایجان قسمتی از ساتراپ ماد بود، وقتی شاهنشاهی هخامنشی فروپاشید، آتروپاتس ساتراپ ایرانی ماد کوچک را مستقل کرد بعد از آن

و پدر زن پردیکاس نایب السلطنه اسکندر بود در مقام خود در ماد کوچک ابقا گشت (مشکور، ۱۳۴۹، ص ۹۵). بعد از کشته شدن پردیکاس (۳۲۱ ق.م) مجلسی در تراپارادیس (سوریه) منعقد گشت که در آن به تقسیم مجدد ساتراپ‌ها پرداختند ولی ماد کوچک، یعنی ساتراپ نشین آتروپات جزء این تقسیم نبود از آن تاریخ ماد کوچک را می‌توان دولتی مستقل شمرد (دیاکونوف، ۱۳۴۴، ص ۱۸). پس از مرگ آتروپات دودمان او در آذربایجان حکومت کردند و به مرور این ایالت دولتی شد که اسماً جزء دولت سلوکی به شمار می‌رفت ولی در معنی مستقل بود (همان، ص ۹۸). بدین ترتیب ماد کوچک نخستین کشور شرقی بود که استقلال خویش را در برابر فاتحان یونانی و مقدونی بازیافت (رئیس نیا، ۱۳۶۸، ص ۳۳۶). سلوکیان نیز با آنکه بر غالب ایالات هخامنشی و از جمله ماد بزرگ مسلط شده بودند به رغم تلاشهای خود هرگز نتوانستند آتروپاتن را ضمیمه قلمرو خود کنند (همان، ص ۳۳۷). ولی آنتی‌خوس سوم در سال ۲۲۰ ق.م بعد از شکست دادن مولون (حاکم ماد سفلی) به ماد آتروپاتن نیز هجوم برد و موفقیتی کسب کرد و آن سرزمین را که از زمان اسکندر مستقل بود حکومت عالیه سلوکیه را شناخت (دیاکونوف، پیشین، ص ۳۲) و این سرزمین بعد از گذراندن یک دوره نیم قرن وابستگی بار دیگر در حدود سالهای ۶۰ سده ۲ ق.م استقلال خود را باز یافت به عبارتی در زمان آنتی‌خوس چهارم مجدداً مستقل گشت (همان، ص ۴۴). بعد از این تاریخ تا حدود نیمه دوم سده دوم ق.م نفوذ اشکانی‌ها که از یک قرن قبل دولتی در خاور ایران تشکیل داده بودند و در حال توسعه قلمرو و پیشروی به سوی غرب و در حقیقت سلوکیان را به عقب می‌نشانند در

استقرارگاهها و قبرستانها بطور گسترده در سراسر ناحیه پراکنده است (Ibid, 217) که از جمله شاخص‌ترین محوطه‌های منسوب به این دوران قلعه زهاک (زهنگ) می‌باشد (درخشی، ۱۳۸۱). در مورد تاریخ سیاسی این خطه می‌توان گفت که پس از شکست داریوش سوم از اسکندر در جنگ گوگمل که آتروپاتس ساتراپ ماد نیز در نبرد فرمانده مادیها بود، آتروپاتس، اکسودات نامی را که داریوش سوم در ری به سیاه‌چال افکنده بود از زندان آزاد کرد و اسکندر ابتدا همین اکسودات را به ساتراپی ماد منصوب کرد ولی دیری نگذشت که اکسودات از چشم اسکندر افتاد و از طرف آن پادشاه، آتروپات (۳۲۸ ق.م) به حکومت ماد تعیین گردید (مشکور، ۱۳۴۹: ص ۹۵).

بدین ترتیب آتروپاتکان در ربع پایانی سده چهارم پ.م در استانهای آذربایجان کنونی، کردستان شرقی و در بخشی از شمال آذربایجان (جمهوری آذربایجان) پیدا گردید (نقشه ۱) و نزدیک به سه سده و نیم در این پهنه به هستی خویش ادامه داد (علی اف، ۱۳۷۸: ص ۱۱). به هنگام مرگ اسکندر تنها سه ساتراپ نشین را در تملک ایرانیان می‌بینیم، ناحیه ماد (آتروپاتن) پارت و ناحیه پاروپانیزاد و در نهایت ایرانیان باستانی دو تن از سرکردگان به نام آتروپات و اکسیارتس که با فرمانروایان خویشاوند سببی بودند بقیه از کار برکنار شدند (گوتشمید، ۱۳۵۶، ص ۳۴). در سال ۳۲۳ ق.م (بعد از مرگ اسکندر) آتروپات در مجلس مشاوره‌ای که از طرف سرداران آن پادشاه در بابل انعقاد یافت حاضر نبود در آن مجلس ساتراپ نشین ماد سفلی به یک سردار مقدونی بنام پیتون واگذار شد و آتروپات به مناسبت آن که مردی لایق

آتورپاتکان رو به افزایش گذاشت (رئیس نیا، پیشین: ص ۳۳۸). برخی از تاریخ نویسان می گویند که اشکانیان پس از به تصرف در آوردن سرزمین ماد بزرگ، سرزمین ماد آتروپاتن را نیز متصرف شدند ولی منابعی این عقیده را تأیید نمی کنند چونکه نیروی اشکانیان به عنوان ضد سلوکی عمل می کرد برای آزادی مردم شرق از دست آنها (علی اف، پیشین: ص ۱۲۷). در ضمن در تقسیم بندی ایالات در زمان مهرداد اول توسط ایزیدور خاراکسی و پلی بیوس، قسمت ماد کوچک که بعد از اسکندر دولت مستقلی تشکیل داده بود به چشم نمی خورد (مشکور، ۱۳۷۴: ص ۱۴۷)، (که جزء قلمرو اشکانیان شده باشد) با این حال متحد دولت اشکانی و در واقع از ملوک الطوائفی آن به شمار می رفت (مشکور، ۱۳۴۹: ص ۹۹). بعبارتی افراد دودمان آتروپات تا اوایل سده اول میلادی به حکومت موروثی خویش بر آذربایجان ادامه دادند (رئیس نیا، ۱۳۶۸: ص ۳۴۲). در منابع تاریخی، تاریخ آتورپاتکان نیمه اول سده پ.م هیچگونه انعکاس نیافته است (علی اف، پیشین: ص ۱۳۱). ولی پس از مرگ مهرداد دوم، تیگران دوم پس از تصرف سراسر شمال بین النهرین، آتروپاتن را نیز مطیع خویش ساخت (مشکور، ۱۳۷۴، ص ۱۸۳).

حاکم ماد آتروپاتن در سال ۶۷ پ.م مترادات داماد تیگران پادشاه ارمنستان بود که در آنجا بدون اتکا به پدر زنش با استقلال حکومت می کرد (همان، ص ۲۵۲). بنظر میرسد مترادات حاکم آتروپاتن با گرفتن دختر تیگران و داماد شدن وی تابع وفادار ارمنستان بوده است (علی اف، پیشین: ص ۱۴۵).

در سال ۷-۶۵ ق.م حاکم ماد، داریوش^۱ (تصویر ۱) نامی بود (همان، ص ۱۵۳)، (همزمان با فرهاد سوم)، این فرمانروا، نخست به اطاعت پمپیوس درآمد و سپس (قلمرو ایشان) به همراه ارمنستان یکجا تحت نفوذ اشکانیان قرار گرفت (گوتشمید، پیشین، ص ۱۵۴).

در زمان فرهاد سوم پادشاهان آتروپاتن، آدیاین، کردونه و اوسروانه یا اورهونه تحت الحمایه او محسوب شده و او را به شاهنشاهی می شناختند (همان، ص ۱۹۱). در زمان ارد دوم، شاه آتورپاتکان آریوبرزن یکم با اشکانیان (علیه کراسوس) در یک اردوگاه بودند (علی اف، پیشین، ص ۱۵۵). در ماه مه سال ۳۶ پ.م آنتوان که قصد داشت نخست شهر فرااسپا^۲ پایتخت مادعلیا و سپس اکباتان را به تصرف در آورد (به آذربایجان و در جهت تضعیف دولت اشکانی یورش آورد)، (پیگولوسکایا، ۱۳۶۷، ص ۸۸). لشکرکشی وی همزمان با فرهاد چهارم پادشاه اشکانی و آرتاوازد شاه مشهور آتورپاتکان می باشد، معتبرترین توصیف درباره این لشکرکشی در کتاب زندگی آنتونی پلوتارک آمده است (بیوار، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹). در نهایت لشکرکشی مزبور با توفیق همراه نگشت و سپاهیان اشکانی، نیروهای آنتوان را تا مرز (کنار ارس) تعقیب کردند (پیگولوسکایا، پیشین، ص ۸۸).

^۱ در بین فرمانروایان ماد و احتمالاً ماد آتروپاتن، از این فرمانروا و منسوب به ایشان بنظر سلوود سکه هایی باقی مانده است (Sellwood, 1980؛ سلوود، ۱۳۶۸).

^۲ (مینورسکی ۱۳۷۸) معتقد که این شهر باید قلعه ورا باشد ولی جایگاه دقیق این شهر و مقر حکومتی به نظر نگارنده می بایست در محدوده بین مراغه و میانه کنونی مکان یابی شود و در این محدوده قلعه شهری با عظمت تر از قلعه زهاک (زهنگ) نیست و احتمالاً فرااسپا باستانی می تواند منطبق با قلعه شهر مذکور باشد.

در سال ۲ ق.م نیز که ماد آتروپاتن از دولت اشکانی مجزا شده بود از روم تقاضای فرستادن پادشاهی برای خود کرد بر اثر این تقاضا رومیان، آریوبرزن دوم پسر آرتاوازد پادشاه پیشین را برای سلطنت به ماد کوچک فرستادند (مشکور، ۱۳۷۴ ص ۲۸۱). ولی در این سال آریوبرزن شاه دست نشانده روم از آذربایجان رانده شد و کمی پس از این واقعه از او بعنوان پناهنده بی خانمان در دست است ولی سرانجام بعد از مدتی دوباره گایوس سردار رومی پس از صلح با فرهاد به ارمنستان رفت و در آنجا شاهزاده آریوبرزن پادشاه ماد آتروپاتن را به شاهی ارمنستان منصوب کرد ولی چندی بعد آریوبرزن مُرد و پسرش آرتاوازد سوم به پادشاهی ارمنستان رسید (او در ارمنستان به قتل رسید و حاکم ارمنی بر سرکار آمد مدت حکومت وی بین ۴ میلادی تا ۱۲ میلادی ذکر شده است) در این سالها اردوران سوم اشکانی در ماد آتروپاتن فرمانروایی می کرد به سال ۱۸ م، به قول گوتشمید ۱۶ م به تخت سلطنت اشکانیان در تیسفون نشست (مشکور، ۱۳۷۴: ص ۲۸۸-۲۸۷).

آخرین فرد از سلسله آتورپاتکان گایوس ژولیوس آرتاوازد *Gaius Julius Artavazd* (نبره آرتاوازد بزرگ) بود که به سال ۳۶ م در شهر رم در گذشت (مینورسکی، ۱۳۷۸: ص ۳۹).

بدین ترتیب افراد دودمان آتورپات در دوره استیلای اشکانیان نیز با حفظ عنوان شاهی به حکومت خود ادامه دادند و دوران دست نشاندگی آنها نسبت به دولت اشکانی تا حدود نخستین سالهای سده اول میلادی و به روایتی (نقل از استرابن) تا حدود سال ۲۰ م دوام آورد در این سال دولت اشکانی آتورپاتکان را به تصرف خود در آورده

بعد از جنگ چون قوای دولت اشکانی به مراتب بیشتر از نیروی کمکی سپاه آذربایجان بود در هنگام تقسیم غنائم جنگی این اختلاف به نحوی آشکار شد و آتاوازد پادشاه ماد در این کشاکش خود را مغبون یافت چون سهم از فرهاد طلب می کرد و شاهنشاه اشکانی ادعای او را باطل شمرده همه غنائم جنگی را حق خود می دانست (Schippmann, op.cit, p: 222). آرتاوازد با این کار فرهاد را از خود رنجاند بعد هم از واکنش و انتقام جویی فرهاد بیمناک شد و برای حفظ تاج و تخت خود به فکر یافتن متحدی افتاد (رئیس نیا، پیشین، صص ۳۶۲-۳۶۱) و در نهایت به رومیان پیوست و دختر خود بنام یوتاپه *Iotape* را نامزد اسکندر پسر آنتونیوس و کلئوپاترا کرد (مینورسکی، ۱۳۷۸: ص ۳۹).

نویسندگان تاریخ روی گردانی آرتاوازد را از سیاست سنتی تمایل به اشکانی ها و گرایش وی به رومیها را ناشی از یک علت مهم سیاسی دانسته اند، به گمان آنها آرتاوازد از افتادن کشور خود به دست اشکانی ها واهمه داشت و تکیه به نیروهای مسلح رومی گرفت ولی به هر حال مانع رفتن آتورپاتکان در کام دولت اشکانی نگردید زیرا بعد از شکست آنتونی از اوکتاویوس در سال ۳۱ ق.م در نبرد آکتیوم یونان، فرهاد چهارم به همراه آرتاش ارمنی که بوی پناه آورده بود به همراه خویش آرتاوازد را شکست دادند (رئیس نیا، پیشین: صص ۳۶۲).

در سال ۲۰ ق.م حاکم آتروپاتن، آرتاکس بود و ایشان در فهرست شاهان ماد علیا توسط مالکوم کالج آورده شده است ولی از وی اطلاعی نداریم (Colledge, 1997, pp:160-161).

و به یکی از ایالات قلمرو خود تبدیل کرد و به عمر سلسله آتروپاتیان خاتمه داد.

در این زمینه اعتمادالسلطه می‌نویسد: «آذربایجان _ کلیتاً- پادشاه مخصوصی داشت که از عهد اسکندر کبیر پدر بر پدر - در این ایالت سلطنت نموده و مستقل بوده‌اند و تا سنه ۳۰ م سلاطین آذربایجان کمال استقلال را داشته‌اند، پادشاه اشکانی به جهت اینکه پادشاه آذربایجان به مارک آنتوان کمک کرده بود بر وی حمله کرد و غلبه نمود، اما باز مملکت را یکباره از او منتزع نساخت چه استرابون می‌گوید پادشاهان آتروپاتن در ایالت مزبور سلطنت دارند، چیزی از زمان استرابن نگذشت که آذربایجان به تصرف اشکانیان در آمد و از آن وقت به بعد این طبقه ولیعهدهای خود را پادشاه آذربایجان خواندند» (اعتماد السلطنه، ۱۳۷۱، صص ۲۳۴-۲۳۳)

اما اگر چه در دوره اخیر افرادی از خاندان اشکانی بر آتروپاتکان فرمان می‌راندند ولی در پرتو نظام ملوک الطوائفی اشکانی، آتروپاتکان باز هم از نوعی خودمختاری داخلی برخوردار بوده است (رئیس نیا، پیشین، صص ۲۷۴-۲۷۳). بدین ترتیب پس از اردوان سوم اشکانی که ایشان اولین فرد از سلاله خاندان اشکانی بودند که بر آذربایجان حکم راندند، برادر او به نام ونونه از طرف دولت مرکزی اشکانی به شاهی آذربایجان رسید (مشکور، ۱۳۴۹، ص ۱۰۳). بعد از مرگ گودرز بزرگان ایران او را که پادشاه آذربایجان بود از آن ایالت خواسته و به نام ونونه دوم (۵۱-۵۴م) بر تخت شاهنشاهی ایران نشاناند (گوتشمید، پیشین، ص ۲۰۴). پس از او پسرش پاکور به شاهی آذربایجان منصوب شد (مشکور، ۱۳۴۹: ص ۱۰۳). در زمان پاکور، آلانها به سال ۷۵ م که با گرجی‌ها متحد شده بودند از دربند

قفقاز گذشته به ارمنستان و آذربایجان حمله کردند و حاکم ارمنستان یعنی تیرداد و هم پاکور را که برادران بلاش اول نیز بودند، شکست دادند (مشکور، ۱۳۷۴، ص ۳۴۹).

بعد از مرگ بلاش به سال ۷۸ م پاکور دوم که حاکم ماد آتروپاتن بود به سلطنت ایران رسید بعد از پاکور، خسرو برادر وی که او نیز به ترتیب حاکم آتروپاتن بود به سلطنت ایران رسید (همان، ص ۳۶۲). خسرو یکی از پسران پاکور را بجای تیرداد در ارمنستان نشاناند (از آنجا که از این تاریخ به بعد اسامی شاهان اشکانی را نداریم ولی به احتمال زیاد این رسم یعنی جایگزینی شاه اشکانی به جای دیگری ادامه داشته است). چون این امر بدون جلب نظر و موافقت دولت روم انجام نگرفت موجب کدورت آن دولت شد و دیگر باره آتش جنگ ایران و روم شعله ور گردید. (همان، ص ۳۶۳)، (حمله تراژان) دوباره به سال ۱۳۶ م قبایل آلانی با تحریک فاراسمن پادشاه ایبری، آذربایجان، ماد و کاپادوکیه را مورد تاخت و تاز قرار دادند و بلاش دوم آنها را با دادن باج به سوی کوههای قفقاز بر گردانید (رئیس نیا، پیشین، ص ۳۷۹). برای بار آخر در دوره اشکانی با نام ماد برمی‌خوریم و آن در زمان بلاش سوم اشکانی (۱۴۹-۱۹۰م) بود که مارکوس وروس Marcus-veruas امپراتور روم به همراه آیویدیوس کاسیوس به ایران حمله کرد، کاسیوس در ادامه کشور گشایی به سوی کوههای زاگرس راند و قسمتی از ماد و آذربایجان را تسخیر نمود و بهمین مناسبت به لقب مدیکوس Medicus یعنی فاتح ماد و آذربایجان ملقب گشت (مشکور، ۱۳۷۴: ص ۳۹۷).

از اینجا می‌توان استنتاج کرد که ماد در آن زمان حکومتی مستقل داشته است (گوتشمید، پیشین،

گردید و نزدیک به سه سده و نیم در این پهنه به هستی خویش ادامه داد. پس از مرگ آتروپات دودمان او در آذربایجان حکومت کردند و به مرور این ایالت دولتی شد که اسماً جزء دولت سلوکی به شمار می‌رفت ولی در معنی مستقل بود یعنی سلوکیان با آنکه بر غالب ایالات هخامنشی و از جمله ماد بزرگ مسلط شده بودند به رغم تلاشهای خود هرگز نتوانستند آتروپاتن را ضمیمه قلمرو خود کنند، این روند تا حدود نیمه دوم سده دوم ق.م یعنی زمانی که اشکانی‌ها در حال توسعه قلمرو و پیشروی به سوی غرب بودند و نفوذشان نیز در آتروپاتکان رو به افزایش بود تداوم داشت، در این زمان دولت آتروپاتکان متحد دولت اشکانی به شمار می‌آمد بعبارتی افراد این دودمان تا اوایل سده اول میلادی به حکومت موروثی خویش بر آذربایجان ادامه دادند ولی به روایت (استرابن) حکومت آنها تا حدود سال ۲۰ م دوام آورد، اما در این سال دولت اشکانی آتروپاتکان را به تصرف خود در آورده و به یکی از ایالات قلمرو خود تبدیل کرد و به عمر سلسله آتروپاتیان خاتمه داد. بعد از این دوران افرادی از خاندان اشکانی بر آتروپاتکان فرمان می‌راندند ولی در پرتو نظام ملوک الطوایفی اشکانی، این خطه همچنان جایگاه والایی داشت و حتی ولیعهدنشین خاندان اشکانی گردید تا اینکه سرانجام با فروپاشی دولت اشکانی این منطقه نیز از زیر نفوذ اشکانیان بدر آمده و جزء ایالت شاهنشاهی ساسانی گشت.

ص ۲۱۹-۲۱۸). از این تاریخ به بعد بعثت کمبود منابع اشاره کننده به آذربایجان، اطلاعی از آن منطقه نداریم ولی این منطقه حالتی از ملوک الطوایفی را داشته تا اینکه سرانجام آذربایجان نیز به قلمرو ساسانیان پیوست. در کل خاندان آتروپاتکان که بمدت ۳۵۰ سال در آذربایجان حکومت کردند و با پیوندهای سیاسی با سلوکیان و سپس با اشکانیان و حتی آرامنه و رومیان نگداشتند این سرزمین مورد گزند سربازان یونانی و مقدونی قرار گیرد ولی همین عامل یعنی اتحاد و پیوند با یکی از دول زمان یعنی روم باعث شد که سرانجام حکومت مورثی خود را از دست بدهند و آن در اوایل قرن اول م رخ داد و از آن پس شاخه‌ای از فرمانروایان اشکانی در آنجا حکومت کرده و حتی به شاهی ایران می‌رسیدند تا اینکه سرانجام با فروپاشی دولت اشکانی این منطقه نیز از زیر نفوذ اشکانیان بدر آمده و جزء ایالت شاهنشاهی ساسانی گشت (جدول ۱؛ لیست فرمانروایان ماد آتروپاتن).

نتیجه‌گیری

شاهنشاهی هخامنشی که در اواسط سده ششم ق.م توسط بنیانگذار آن یعنی کوروش کبیر شکل گرفت کمی بیش از دو سده دوام آورد. پس از شکست داریوش سوم آخرین شاه هخامنشی از اسکندر در جنگ گوگمل، آتروپاتس ساتراپ ماد بواسطه خدماتش به اسکندر از طرف آن پادشاه به حکومت ماد تعیین گردید (۳۲۸ ق.م). بدین ترتیب آتروپاتکان در ربع پایانی سده چهارم پ.م در استانهای آذربایجان کنونی، کردستان شرقی و در بخشی از شمال آذربایجان (جمهوری آذربایجان) پیدا

منابع و مأخذ

- ۱۰- گوتمسید، آلفردمن، ۱۳۵۶، *تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*، ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران؛ انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ دوم.
- ۱۱- مشکور، محمد جواد، ۱۳۷۴، *تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان - پارتیان یا پهلوانان قدیم*، (تهران؛ انتشارات دنیای کتاب، چاپ سوم.
- ۱۲- مشکور، محمد جواد، ۱۳۴۹، *نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن*، تهران؛ انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۱۳- مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۶۷، *دانشنامه ایران و اسلام*، جلد اول، زیر نظر احسان یارشاطر، تهران؛ انتشارات نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۷۸، *نام‌های جغرافیایی و ریشه‌های تاریخی آن‌ها در آتروپاتن (ماد)* ترجمه: رقیه بهزادی، تهران؛ انتشارات پژوهنده.
- 15- Colledge, M, 1977, *Parthian Art*, London; Paul Elek.
- 16- Kleiss, W. Azerbaijan, I. Geography, II. Archaeology, EncIr, IV, 1990, PP:215-221
- 17- Sellwood, 1980, *An Introduction to the Coinage of Parthia*, London, Pardy & Son.
- 18- Schippmann, k. Azarbaijan, I. Geography, II. Archaeology, EncIr, IV, 1990, PP :221-224
- 19- <http://www.americanhistory.si.edu/csr/nnc/parthia/frames/pamgeo.htm> (downloaded Feb 2001)
- ۱- اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، ۱۳۷۱، *درالتیجان فی تاریخ الاشکان*، به کوشش و اهتمام نعمت احمدی، تهران؛ انتشارات اطلس.
- ۲- اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۷۱، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران؛ نشر مرکز، ۱۳۷۱.
- ۳- بیوار، ا. د، ۱۳۸۰، «تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان» در *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان*، (جلد سوم - قسمت اول) پژوهش دانشگاه کمبریج. گرد آورنده، احسان یاشاطر، ترجمه: حسن انوشه، تهران؛ انتشارات امیر کبیر، چاپ سوم.
- ۴- پیگولوسکایان، ۱۳۶۷، *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*، ترجمه: عنایت اله رضا، تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- درخشی، حسن، ۱۳۸۱، *بررسی و تطبیق معماری دوره اشکانیان؛ مطالعه موردی: قلعه زهاک (زهنگ)*، پایان نامه منتشر نشده دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۶- رئیس‌نیا، رحیم، ۱۳۶۸، *آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*، جلد اول و دوم، تبریز؛ انتشارات نیما.
- ۷- سلوود، دیوید، ۱۳۶۸، «سکه‌های پارتی»، *تاریخ ایران کمبریج*، ترجمه‌ی حسن انوشه، ج ۳، ق ۱، تهران، امیرکبیر.
- ۸- طاهری، ابولاقاسم، ۱۳۴۷، *جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان از نظر جهانگردان*، تهران؛ انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران.
- ۹- علی‌اف، اقرار، ۱۳۷۸، *تاریخ آتورپاتکان*؛ ترجمه: شادمان یوسف، تهران؛ نشر بلخ.

جدول ۱- اسامی فرمانروایان ماد آتروپاتن در دوره سلوکی و اشکانی (Collidge , 1977, PP: 160-161)



تصویر ۱- سکه منسوب به داریوش (Sellwood, 1980)

نام	تاریخ
آتروپات	۲۳۸ ق.م
آرتابازان	۲۲۰ ق.م
میترادات	۸۵-۶۵ ق.م (؟)
داریوش	۶۵-۷ ق.م
آریوبرزن	۵۵-۴۰ ق.م (؟)
آرتاوازد بزرگ	۳۶ ق.م
آرتاکس	۲۰ ق.م
آریوبرزن II	۲۰ ق.م
آرتاوازد III	۱۲ ق.م-۴ م
اردوان III اشکانی	۸ م
ونونه II	۵۱-۱۸ م
پاکور II	۷۲-۵۲ م
خسرو	۸۹-۷۳ م



شکل ۱) موقعیت ماد آتروپاتن در دوران سلوکی و اشکانی